

خدا می خواهد ما شاد باشیم!

اشعیا ۶۱، ۱ - ۳



خدای قادر متعال مرا از روح پُر ساخته است.
او مرا فرستاده تا به مسکینان بشارت،
و شکسته‌دلان را شفا دهم،
و رهایی اسیران و آزادی زندانیان را اعلام
کنم. 2 او مرا فرستاده تا اعلام کنم
زمان نجات قوم به وسیله خداوند
و شکست دشمنان آنها فرا رسیده است.
او مرا فرستاده تا به سوگواران تسلی دهم.
3 به سوگواران صهیون به جای غم، شادی و
خوشی و به جای غصه، سرود تمجید بدهم.
آنها مانند درختانی هستند که خداوند خودش
کاشته است. آنها هر آنچه را راست و درست
است، به جا می‌آورند، و خداوند به‌خاطر آنچه

کرده است، ستایش می‌شود. 10 اورشلیم از آنچه خداوند کرده در وجد است. او مثل عروسی است که لباس بر تن دارد.
خداوند او را به لباس نجات و پیروزی ملئیس کرده است. 11 همان‌طور که بذرها در زمین جوانه می‌زنند و رشد می‌کنند،
به همان نحو خدای متعال قوم خودش را نجات می‌دهد، و تمام دنیا او را ستایش خواهند کرد.

ناآرامی های بزرگی در شهر ناصره رخ داده بود. همه جا در خیابانها و خانه ها مردم ها زمزمه می کردند: "عیسی می آید ... عیسی می آید!" البته عیسی در شهر ناصره بیستر از هر جای دیگر شناخته شده بود. همه او را انتها خوب خوب می شناختند بلکه با او بزرگ شدند ، با او به مدرسه رفته، و هم دیدند که او در کنار والدینش بزرگ می شود. در این میان ، پسری کوچک از شهر ناصره به کسی کاملاً متفاوت از آنچه تصور می کردند تبدیل شده بود. مانند فردی که به جای بزرگتر و بصیرت تر دست یافته بشد ... آنها زیاد پشت سرش صحبت می کردند. برخی می گفتند که پسر یوسف و مریا کاملاً مجنون شده است. برخی دیگر به عیسی افتخار می کردند که او بسیار مشهور شده است. آنها همچنین می توانستند اندکی از شهرت عیسی را صحیح می شوند و دوست دارند از نورش درخشنده شده بودند. سپس این عیسی معروف آمد. در آن روز سر تا سر کنیسه از بالا تا به پایین پر شده بود. کنجکاوندگان در خیابان ها بیرون درب ایستاده بودند. آنها بر حسب عادت خود یک کتاب نبی را به عیسی دادند. و از او خواستند این کتاب را بخواند. دقیقاً همان متنی بود که امروز از کتاب اشعیا خواندیم. در این کتاب یک خبر خوش بود ... پیامی از شادی و نجات. زندانیان باید دوباره آزاد شوند. افراد غمگین باید تسکین یابند. و شادی باید وجود داشته باشد! عیسی همه این مطالب را خواند ، کنار گذاشت و به طور مستقیم به جمعیت نگاه کرد... سالن ساکت شد. و سپس عیسی بار دیگر صدای خود را بلند کرد و گفت: "امروز نوشتهای کتاب مقدس تحقق یافت!" این کتاب مقدس فقط به این دلیل تحقق یافت چون که عیسی در مقابل آنها ایستاده بود. آنچه که اشعیا سالهای گذشته پیش بینی کرده بود. از طریق عیسی تحقق یافته بود: "امروز همه اینها برآورده شده است." «این دقیقاً همان چیزی است که عیسی با زندگی خود نشان داده است. فقیرها و مظلوم که در مورد ضرب و شتم بودند نجات پیدا کردند. حتی آنها که قلب ها شکسته بود و کسی که گرسنه و تشنه به عدالت بودند، زندگیشان گرد خواهد شد. خود عیسی در برابر همه رنجهای جهان ایستادگی بود. او بارنج های خود بر روی صلیب رنج های جهان بر دوش گرفت. او میلیون ها نفر را از این طریق کمک کرد. زمانی که عیسی این سخنان را گفت همه ی این کار شروع شده بود. و این کار در همه کشورها در سر تا سر جهان اتفاق افتاد. به این دلیل بود که عیسی این سخنان را در ناصره گفت. از آن زمان به بعد همان گونه اتفاق افتاد. هیچ پیام دیگری در جهان وجود ندارد که به این اندازه با شخص در ارتباط باشد با این پیام که عیسی در آن زمان فریاد می زد. ترجمه داستان زندگی عیسی "انجیل" است. از این روح "خبر خوب" است. و به همین دلیل است که شادی موضوعی بسیار بزرگ در کل کتاب مقدس است. در کتاب مقدس دویست بر «شاد بش!» «نوشته شده است. بنابراین استدلال می توانیم بگوییم که خواست خدا این است که ما را از طریق عیسی خوشحال بکند. فرشته به چوپانان در مزارع می گوید: "من به شما پیام شادی اعلام می کنم ... " از این رو شادی برای ما بسیار مناسب می شود. و ما می توانیم امروز یک بار دیگر در انجیل شادی را جستجو کنیم. آیا احساس شادی را می دانید؟ این شادی که در تمام زندگی می گذرد و باعث می شود همه ابرهای غم از بین بروند و خورشید لبخند بزند. آیا احساس خوشبختی را می دانید؟ اما بر این حال کسی نمی تواند به کسی دیگر شادی دستور بکند. شما هم نمی توانید آن شادی بخیرید. آن شادی مانند یک مهمان است که به طور اتفاقی نگران می آید و به همان صورت دوباره ناپدید می شود. آخرین باری که واقعاً خوشحال شدی بودید به چه زمانی بود؟ موقع که با دوستانتان نشاستی داشتید. یا شاید وقتی شخصی یک کلمه دلگرم کننده برای شما گفته است.

کلمه‌ای که قلب را با شادی عمیق به تپش آورد. این شادی که از تمام زندگی می‌گذرد باعث می‌شود که ابرهای غم از بین برود و خورشید لبخند بزند. آیا احساس خوشبختی را می‌دانید؟ مارتین لوتر یک بار گفت: "شادی درجه دکتري ایمان است" اگر من او را به درستی درک کنم ، منظور او این بود که شادی ، مانند ایمان ، توسط انسانهای ما ایجاد نمی‌شود ، بلکه از هدایای روح القدس است. و ایمان نیز با شادی ارتباط نزدیکی دارد. به همین دلیل ما با افرادی در کتاب مقدس آشنا می‌شویم که با وجود شرایط بسیار بد واقعا می‌توانند خوشحال شوند. به عنوان مثال ، رسول پولس نامه ای را از زندان به فیلیپینی ها می‌نویسد و در این نامه کوتاه ۴۴ بار از شادی صحبت می‌کند. اشعیا به آینده بسیار دور نگاه می‌کند و چنین شادی را می‌بیند. شادی که اشعیا توصیف می‌کند نمی‌تواند توسط ما انسانها برآورده شود. و با این حال آنقدر به ما نزدیک است که بخشی از زندگی ما می‌شود. دقیقاً به این معنا است که اشعیا شادی را بر این اساس پایه گذاری می‌کند که خداوند یک لباسی گرم از عدالت و لباس از نجات به ما می‌دهد. و به صورت تحت و لفظی ما به عنوان فرزندان خدا وقف هستیم. لباس جدیدی که با تعמיד برای ما ایجاد می‌شود ، دقیقاً چنین لباسی است که متناسب با زندگی ما است. در این مرحله ما واقعا باید متوقف و متحیر شویم. زیرا هنگامی که عیسی در ناصره موعظه می‌کرد ، سخنان او با شخص او یکسان بود. و امروز وقتی که سخنان عیسی برای ما بیان می‌شود و ما تعמיד را به عنوان کت و لباس می‌پوشیم ، این کلمه با زندگی من یکسان است! غسل تعמיד با تمام نجات هایی که عیسی مسیح انجام داد ، یکسان با ماست. لباس و پالتویی که در آن قرار داده ایم به اندازه و دقیقاً همان قالب عیسی مسیح است که در آن زمان در ناصره گفت: "امروز سخنان کتاب مقدس محقق شده است!" فکر می‌کنید این اندازه برای شما خیلی بزرگ است! نه! زیرا عیسی جای من را در پایین جای گهواره آورده است. و چون همان عیسی شرم و گناه من را بر روی صلیب حمل کرد ، عدالت او عدالت من است. همچنین نجات او ، نجات من است. شادی او نیز شادی من است. پیامی که عیسی در آن زمان در ناصره اعلام کرد توسط خود عیسی مجسم شده است. شگفت انگیز است! ... این دقیقاً همان چیزی است که ما اکنون آن را تجسم می‌کنیم. انجیل بخشی از زندگی ما می‌شود. پیام انجیل نه تنها از نظر بیرونی بلکه در نظر بتن نیز برای ما مناسب است. چیزی در مورد آزادی فرزندان خدا آنقدر با من در ارتباط است که نه تنها احساس شادی را دارم بلکه دیگران نیز می‌توانم آن احساس بدهم. احساس شادی فقط تابش می‌کند. دقیقاً همانطور که نمی‌توانیم به خودمان را نور کنیم ، نمی‌توانیم به خودمان بشارت دهیم. لازم نیست! حتی وظیفه ایجاد شادی به ما داده نشده است. چون عیسی این کار را انجام داد. تمام کاری که او باید انجام می‌داد انتقال پیام شادی بود. ما اصلاً وظیفه دیگری نداریم جز که: ما باید خبر را که عیسی انجام داده است منتقل کنیم و امروز ما فقط می‌توانیم در مورد آن خبر خوشحال باشیم. می‌توانیم خوشحال باشیم که این پیام برای میلیون ها نفر ارسال شده است. ما همچنین می‌توانیم خوشحال باشیم که شجاعت به نسل ها داده شده است. می‌توانیم خوشحال باشیم که عزاداران راحت شدند. در همه مکان ها و در همه کشورها می‌توانیم خوشحال باشیم زیرا دقیقاً این پیام امروز به ما رسیده است. به همین دلیل است که ما امروز در این مراسم هستیم. هر یک از ما بخشی از این پیام هستیم. همچنین بخشی از آن شادی باشیم! اینها در جلوی چشم و گوش ما هستند. حال خدا آنچه که را همیشه می‌خواست محقق کرد. و ما را شادی داد! آمین.